

دییاجهٔ مرقع شاه محمد مذهب

سعید خودداری نایینی*

چکیده

این مقاله با بررسی چند مرقع مهم اواخر سدهٔ دهم دییاجه‌نویسی آنها، تاریخنامه‌های هنر مرقع‌سازی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. یکی از این دییاجه‌ها، دییاجهٔ مرقع کتابخانهٔ سپهسالار، شاه محمد مذهب است که متنی مشابه آن در چند مرقع دیگر وجود دارد. این مقاله می‌کوشد تا ریشه‌های تاریخی نگارش این متن را نشان دهد. بررسی تحولات مقدمه‌نویسی مرقعات با تکیه بر مقدمهٔ مرقع شاه محمد مذهب که نسخه‌ای دیگر از مقدمهٔ میر محمد باقر پسر میر علی هروی است و نیز استفاده از اسناد دیگر این فرضیه را مطرح می‌کند که تکرار دییاجه‌ها به اعتبار خط خوش و یا نثر متناسب و یا انتساب به یک هنرمند بزرگ در مرقعات دیگر بوده و باعث شده است نسخه‌های اساس آنها به علت اوراق شدن اغلب این مرقعات و یا دییاجه‌ها و نیز نگارش دییاجه‌های جدید و مشابه شناخته نشوند.

کلیدواژه‌ها: مرقع، دییاجه، شاه محمد مذهب، میر علی هروی، مرقع گلشن، دورهٔ صفوی.

کاربرد واژه مرقع به معنی مجموعه‌ای از آثار هنرهای تصویری، نقاشی، خوشنویسی، قطاعی، عکس، ناخنی و مانند آنها، به سده نهم می‌رسد. متون تاریخی دوره تیموری با نقل دیباچه‌های مرقعات در کتابهای ترسل و منشآت برخی از مرقعات را شناسانده‌اند.^۱ قدیم‌ترین دیباچه بر مرقع در جنگ خاتون‌آبادی نقل شده و مربوط به شمس‌الدین محمد میرک، پسر امیر چخماق حاکم یزد، و پس از آن دیباچه عبدالقادر مراغی موسیقیدان دربار تیموریان است.^۲ مرقع‌سازی در سده‌های ده و یازده هجری قمری به اوج خود رسید. به این معنی که نظام و ساختار مشخصی برای مرقع شامل دیباچه، قطعات خوشنویسی و نقاشی و حاشیه‌سازیهایی نفیس که گاهی ارزشی بیش از متن می‌یابند، پدیدار شد. به عبارتی حاشیه‌سازی مرقعات تا حدی جایگاه هنری مستقلی پیدا کرد، به نحوی که حاشیه از یک مرقع و یا یک قطعه به مرقع و قطعه دیگر منتقل می‌شد.

دیباچه‌نویسیها نیز به سبب ارزش ادبی و یا ارزش محتوایی آن — که معمولاً در خصوص همان مرقع و یا دارای اشاراتی به زندگی برخی از سرآمدان دوحه خط و تصویر بودند — استنساخ می‌شدند، حال یا در یک جنگ یا منشآت، متن نوشته استنساخ می‌شد و یا در مرقعی دیگر بر اساس مرقع جدید بازنویسی و به عبارتی انتقال می‌شد. البته گاهی عامدانه این بازنویسی صورت می‌گرفت تا مقدمه مشهوری به اعتبار مؤلف آن، مرقع را اعتبار بخشد. قطب‌الدین محمد قصه‌خوان خود کاتب هنرمندی بود^۳ ولی مقدمه نفیسش به خط شاه محمود نیشابوری مورخ ۹۶۴ باقی مانده است. سید احمد حسینی مشهدی که خود دیباچه قطب قصه‌خوان را برای استفاده در مرقع امیر غیب بیگ اساس قرار داده بود دیباچه مرقع خواجه عبدالله مروارید را کتابت کرد، این دو مقدمه در این مرجع نقل شده‌اند: (Thackston: 2001, 22-24) و به خط او

۱. چون نامه نامی از خواندمیر؛ برای نمونه توصیفات مرقع در این کتاب نک: خودداری نایینی ۱۳۹۰: ۵۰.
 ۲. دیباچه فرزند امیر چخماق گویا بر اساس متن دیباچه فقط مختص خوشنویسی بوده است (نک: رعنا حسینی ۱۳۸۵: ۷۲). در دیباچه عبدالقادر مراغی نیز از موسیقی بسیار یاد شده است: (نک: شرف‌الدین علی یزدی ۱۳۸۸: ۵۶) در مرقع ۲۱۵۲ خزینه کتابخانه تویقاپوسرای قطعه‌ای به خط عبدالقادر گزارش شده است (آزند ۱۳۸۵: ۶۱).

۳. برای نمونه‌ای از دستخط او، نک: خودداری نایینی ۱۳۹۰: ۱۷.

یک قطعه از مقدمه یا خاتمه مرقع در مرقعی دیگر به شماره ۲۱۵۶ توپقاپو سرای به جا مانده است (بیانی ۱۳۶۳: ۵۴).

یکی از مهمترین مرقعات دوره صفوی مرقع قطب قصه‌خوان بوده است که امروزه تنها مقدمه آن برجای مانده است.^۴ این مقدمه بعدها در دیباجه سید احمد مشهدی بر مرقع امیر غیب بیگ با تغییراتی اندک تکرار شد و تکرار متن و یا بخشی از آن در سده یازدهم و سیزدهم زیب و زیور مرقعات و قطعات گشت^۵ (تصاویر شماره ۶ و ۷).

تکرار دیباجه‌ها در مرقعات حداقل در موارد زیر اتفاق می‌افتاد:

- متن مرقع به اعتبار ادبی بودن در کتابهای ادبی منتقل می‌شد، مانند بسیاری از مرقعات به ویژه مرقع لشکر خان، نصیرا، جلالا و غیره؛ تطبیق این مقدمه‌ها با مرقع مربوط، اگر به جای مانده باشد، کار آسانی نیست. زیرا توصیفات ادبی، شناختی از قطعات مرقع نمی‌دادند. حتی دیباجه مرقع گلشن از نسخه‌ای به غیر از خود مرقع با مرقع مذکور تطبیق داده شده است.

- متن دیباجه با تغییر در مرقع جدید با خوشنویسی هنرمندی دیگر چهره می‌نمود، مرقع سید احمد مشهدی.

- مرقع فقط به خوشنویسی متن دیباجه منحصر می‌شد، مرقع قطب قصه‌خوان کتابخانه ملک،^۶ البته این به معنای آن نیست که مقدمه نویس فقط خوشنویسی مقدمه را در مرقع دیده باشد. زیرا خود قطب قصه‌خوان می‌گوید آثاری از خط و تصویر داشته است و مرقعی ساخته است. پس مرقع اصلی باقی نمانده که شاید کس دیگری متن دیباجه را برای آن نوشته بوده است. امروزه ما به اعتبار خط شاه محمود

۴. از این دیباجه چند نسخه دستنویس تحریری در جنگها به یادگار مانده بود (سکی ۱۳۸۱: ۳۱۰). به نظر می‌رسد همان‌طور که سهیلی در ظهر این مرقع نوشته است با توجه به زمان کتابت و خوشنویسی شاه محمود نیشابوری این نسخه مرقع اصلی قطب قصه‌خوان و مصور بوده است.

۵. همین دیباجه و کتابهایی چون خلاصه‌الخبار خواندمیر اساس کتاب قاضی احمد گلستان هنر را به وجود می‌آورند. هنوز تاریخ پیدایش اولین تاریخنامه‌های هنرهای تصویری کاملاً روشن نشده است.

۶. البته همان‌طور که بعدتر می‌بینیم در صحافی مجدد مرقع سپهسالار هم، صفحات متن دیباجه پراکنده، به اعتبار خوشنویسی نفیس آن اندراج شده‌اند. با توجه به شواهدی چون وجود قطعات متأخرتر از قرن دهم در این مرقع احتمالاً قطعات متن مرقع در ابتدای مرقع قرار داشته‌اند. در حالی که هم اکنون بخشی از آن در میانه مرقع قرار دارد.

نیشابوری و نسخه‌آرایی این مرقع به‌ویژه کاغذهای ابری قدیمی، آن را نسخه‌ای هنری قلمداد می‌کنیم. وگر نه نشانه‌ای از قطعه‌نویسی و یک‌ه صورت^۷ و تصویر در آن نیست، و به عبارتی مرقع همان دیباچه است و بالعکس.

– متن دیباچه یک مرقع به شکل اصلی به مرقع دیگری شبیه آن منتقل می‌شد، نمونه باقی مانده اینگونه دیباچه شناخته نشده ولی مرقع آصفخان (نک: ادامه مقاله) از این دست بوده است.

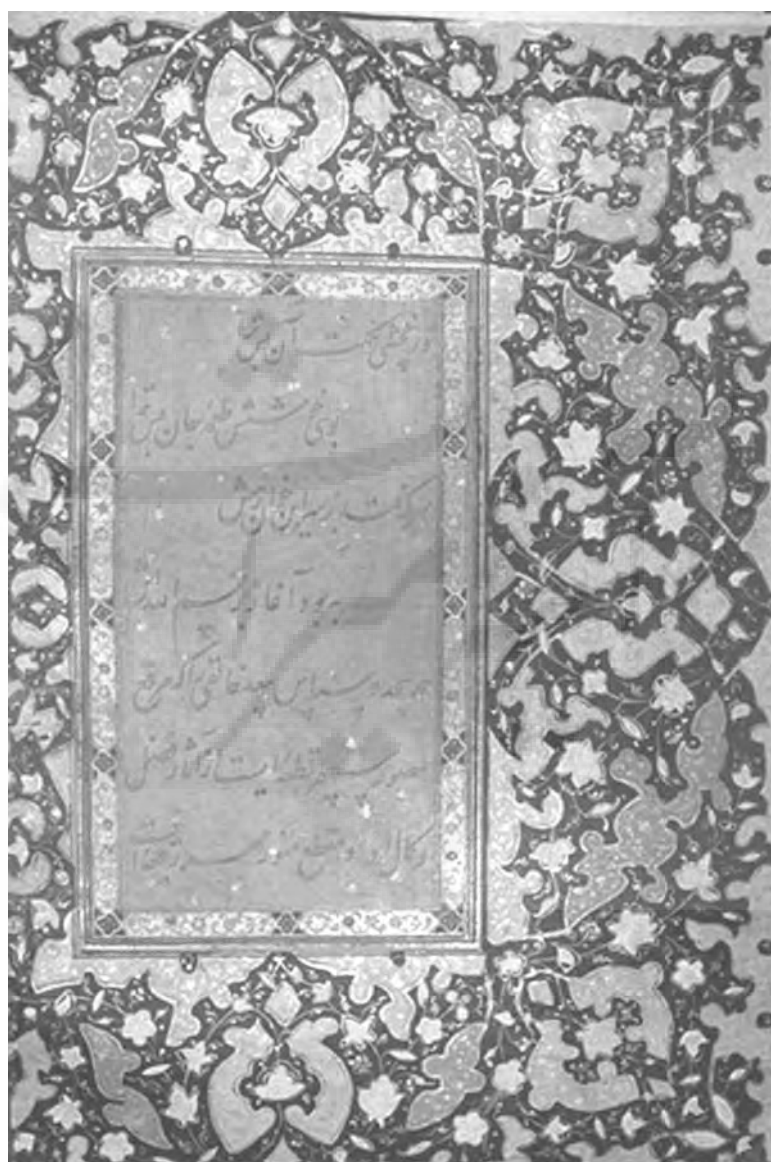
– متن مقدمه به شکل ناقص فقط به اعتبار شیوه قدمایی آن بازنویسی می‌شد (قطعه نخست مرقع اسدالله شیرازی، شماره ۱۴۶۵ کتابخانه گلستان، تصویر شماره ۶). قطعه موجود در کتابخانه دانشگاه هاروارد به شماره ۲۱۶۱۹۲، نیز که به قلم سلطانعلی مشهدی است (تصویر شماره ۷) ناقص است و چون رقم کاتب در صفحه دوم آمده ممکن است همین مقدار بوده باشد. در خصوص قطعه آتی‌الذکر موجود در کتابخانه بادلیان مطالعه بیشتر ضروری است.^۸

یکی دیگر از مرقعات نفیس سده دهم مرقعی است که امروزه در کتابخانه سپهسالار، مدرسه عالی شهید مطهری به شماره ۲۲۱۱ نگهداری می‌شود (تصویر شماره ۱)، برخلاف مرقع قطب قصه‌خوان در این مرقع قطعاتی از بزرگترین هنرمندان سده دهم، از خیل نقاشان و خوشنویسان در میان حاشیه‌سازها و فصالیهای ممتاز اندراج شده است. علی کاتب، نورالدین پورانی، محمودبن اسحاق شهابی، سلطان علی، محمد صالح الکتاب، شاه محمود، میرعلی، سلطان محمد خندان هنرمندانی هستند که رقم آنها در این مرقع دیده می‌شود. در قطعه ۴۶ دو تاریخ ۹۷۰ و ۹۷۶ به قلم محمد صالح کاتب وجود دارد. دو نگاره قطعه‌های ابتدایی مرقع نیز احتمالاً کار بهزاد و یا شاگردان او باشد. تفاوت در شیوه نگاره‌ها که عیار هنری متفاوت هم دارند نشان می‌دهد در دوره‌های مختلفی نزدیک به زمان ساخت، قطعاتی به آن اضافه شده است.

۷. یک‌ه صورت به معنای چهره‌نگاری و کشیدن شبیه اشخاص و به معنای امروزی پرتره است (نک: اژند ۱۳۸۶: ۶۵).

۸. شماره این قطعه پیدا نشد به نحوی که در پانویس شماره ۳۷ آورده‌ام.

تصویر شماره ۱
بخشی از مقدمهٔ مرقع شاه محمد مذهب



متن دیباچه که خط محمد صالح الکاتب است به صورت پراکنده، در مرقع مندرج شده است:

۳/ بسم الله الرحمن الرحيم هست صلاى سر خوان كريم
 فيض كرم خوان سخن ساز كرد پرده زدستان كهـن باز كرد/۴/
 بانگ صرير از قلم سحر كار خاست^۹ كه بسم الله دستى بيار
 مايده ي تازه برون آمده است چاشنى گير كه چون آمده است/۵/
 ور نچشى نكهت آن بس ترا بوى خوشش طعمه جان بس ترا^{۱۰}
 هر كه فتد^{۱۱} بر سر اين خوان رهش به بود آغاز ز بسم الله اش
 حمد بى حد و سياس بى عد خالقى را كه مرقع مصور سپهر قطعه‌اى است از آثار فضل و
 كمال او، و مقطع منور مهر رقعهاى است/۶/ از انوار حسن و جمال او. بيت^{۱۲}
 سبحان من تحير فى ذاته سواه فهم خرد به كنه كمالش نبرده راه
 صانعى كه قلم اصناعش محرر خط خوبان دلرباست، مبدعى كه رقم ابداعش مصور
 هر صورت خوش نماست بيت:

به چشم تيز بينت هر چه نيكوست/۷/ چو نيكو بنگر[ى] عكس رخ اوست
 و درود خجسته ورود، بر سرور انبيا و رسل كه مصوران بدايع رقم در صورت عالم
 آرايش حيرانند، و محرران شيرين قلم در تحرير خط جان فرايش سرگردان، بيت:
 به دور حسن تو صورتگران هفت اقليم قلم گرفته^{۱۳} و در صورت تو حيرانند/۸/
 [اما بعد]، بر ضمير منير هر صاحب كمال، و خاطر فيض پذير هر خجسته مآل مخفى نماند
 كه غرض كاتب تقدير و صانع بى شبه و نظير، از لوح و قلم، و مقدرات زيبا رقم، كه در
 كتابخانه افلاك است، مجالس تصوير اين تخته خاك است. چنانچه سفينه رنگين ازهار و
 رياحين، و صحيفه نازنين حدايق/۹/ و بساطين اثرى است از آن و مقصود از اين آثار
 آن است كه طبع سليم و ذهن مستقيم از هر يك پى به صانع اصلى و مقصد حقيقى برد
 بيت.

برگ درختان سبز در نظر هوشيار هرورقى دفتري است معرفت كردگار
 اما حقيقت معرفت از كلام معجز نظام الهى /۱۰/ و حديث صحيح مصطفوى مستفاد
 مى گردد، و آن تا در سلک تحرير، و قيد تصوير نيايد به سهولت از آن مستفيد نمى توان

۹. در اصل: خواست

۱۰. ابیات دوم، چهارم و پنجم در نسخه‌های مجلس و مترو پولیتن نیامده است.

۱۱. نسخه محمدباقر: بود

۱۲. نسخه محمدباقر: نظم

۱۳. نسخه محمدباقر: شکسته

شد. پس خط یکی از امور ضروری باشد.

اگر نه قید کتابت بود کجا ماند شکفته معنی رنگین و فکر جان پرور
ز آب سلسلهها در چمن اگر نبود / ۱۱ / نماند از گل و ریحان به باغ هیچ اثر^{۱۴}
چنانکه^{۱۵} آیت «ن و القلم» از وفور فضیلت کتابت کنایتی^{۱۶} [؟] و «علم بالقلم علم الانسان
ما لم يعلم» بر کمال شرف خط آیتی، و حدیث صحیح نبوی صلی الله علیه و سلم واقع
شده که: «من كتب بحسن الخط بسم الله الرحمن الرحيم دخل / ۵۲ / الجنة بغير حساب»،
پس اگر کسی در باب حسن خط سعی نماید نه از جهت تکلفات رسمی و تصنعات عرفی
است بلکه امیدواری^{۱۷} حدیث صحیح نبوی است و کلام خجسته فرجام^{۱۸} علیکم بحسن
الخط فانه من مفاتيح الرزق، موید^{۱۹} این معنی است. نظم
/ ۵۳ / خط که از شایبه حسن تهیست بهره کاغذ از او^{۲۰} روسپهی ست
خط چنان به ز قلم راننده که بیاساید از او خواننده
در کف نغز خط خوب رقم رزق را طرفه کلیدی است قلم^{۲۱}
باعث بر تمهید این مقدمات آنکه فقیر حقیر / ۵۴ / شاه محمد مذهب را یکچند قطعه از
خطوط استادان جمع شده بود و پیوسته از پریشانی آن توهم می نمود بنا بر آن
مرقع ترتیب کرد و پاره‌ای تصویر و تذهیب بر آن افزود که به نظر اهل کمال منظور
و ملحوظ گردد و این بنده از قبول ایشان بهره مند و محظوظ [؟] کتبه المذنب محمد
صالح الکاتب غفر ذنبه.

۱۴. در نسخه محمد باقر این دوبیت قبل از جمله پیشین (پس خط ...) آمده است.

۱۵. در اصل مرقع نیست و به اعتبار دو متن دیگر (سکی ۱۳۹۱: ۱۵۱) نقل شد.

۱۶. در نسخه محمد باقر نیز دو کلمه الحاقی مصدوقه منتظره گزارش شده است.

۱۷. سکی در هر دو نسخه مورد مقابله خود بامید واری آورده است (۱۳۹۱، ص ۱۵۱).

۱۸. نسخه مذکور در اینجا عبارتی ندارد و جای خالی نیز در اینجا دیده نمی شود.

۱۹. نسخه محمد باقر: نیز موید.

۲۰. نسخه محمد باقر: از آن.

۲۱. از این بیت به بعد متن دو نسخه متفاوت است. نزدیک به مضمون این ابیات در قطعه نستعلیق ممتاز مرقع ۶۶۸ و الترز قطعه شماره ۷۵ دیده می شود: بود مرد هنر ور را هر انگشت / کلیدی بهر قفل رزق در مشت / از آن دستی که ناید هیچ کاری / بود بر تن عجب بیهوده باری.

تصویر شماره ۲
قطعات ۹ و ۱۰ مرقع ۶۰۳۰ کتابخانه ملک



مشابه این متن و یا بخشی از آن حد اقل در چهار مورد دیگر که همگی مرقع هستند دیده شده است:

– قطعات ۹ و ۱۰ مرقع ۶۰۳۰ کتابخانه ملک (خودداری نایینی ۱۳۹۰: ۸۳) این دو بیت از مقدمه مرقعی بریده شده و به ترتیب زیر در با لا و پایین نقاشی قطعه‌سازی شده است (تصویر شماره ۲):

که بیاساید از او خواننده / بهره کاغذ از او روسپه‌ست / و تصنعات عرفی است بلکه به امیدواری / خط که از شایبه حسن تهی است.

این مرقع چهارده قطعه خط و نقاشیهای بسیار نفیس و ممتاز و حاشیه‌سازیهایی ظریف عکس و قطاعی دارد، در قطعه هفتم میر شیخ البورانی اشعاری در وصف عبیدالله بهادر خان نوشته است.

– مرقع شماره ۱۳۳۶۱ کتابخانه مجلس نوشته محمد باقر پسر میر علی هروی^{۲۲}

۲۲. سکی ۱۳۹۱: ۱۵۰؛ پیش از او در بیانی (بخشی از مقدمه، ۶۶۰) و شکراللهی (پیام بهارستان، ش ۲۹

- مرقع موزه مترو پولیتن MMA. 55. 121. 10.^{۲۳}
در نسخه مترو پولیتن اشاره‌ای به جمع کردن قطعات نشده است و خاتمه آن با
دبیاچه‌های دیگر متفاوت است.
- قطعه ۲۴۵ مرقع گلشن،^{۲۴} (تصویر شماره ۳) که در نه سطر این عبارت را
نوشته است:

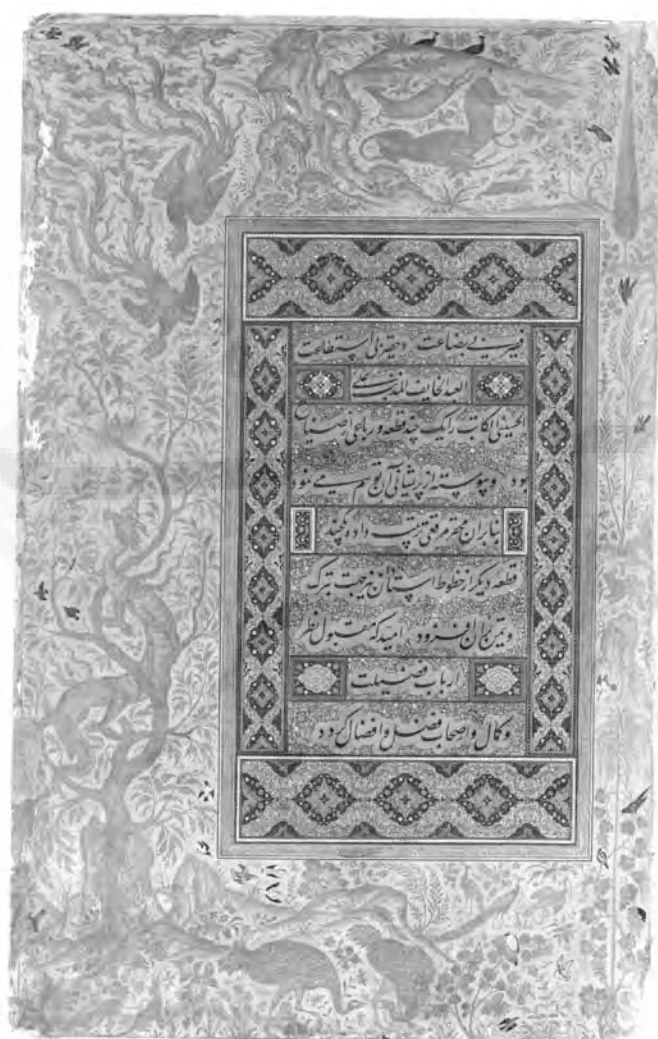
فقیر بی بضاعت و حقیر بی استطاعت العبد الخائف المذنب علی الحسینی الکاتب را یک
چند قطعه و رباعی از صنایع بود و پیوسته از پریشانی آن توهم می نمود، بنا بر آن محقر
مرقعی ترتیب داده یک چند قطعه دیگر از خطوط استادان نیز جهت تبرک و تیمن بر آن
افزود. امید که مقبول نظر ارباب فضیلت و کمال و اصحاب فضل و افضال گردد.

آبان ۸۹، ص ۲۶) هم چاپ شده است. میرعلی قطعه ۱۵۶ مرقع گلشن را در ۹۳۲ برای مشق همین
پسرش نوشته است. قاضی احمد در گلستان هنر (ص ۸۲) قطعه‌ای را که میرعلی در بخارا سروده بود و
در آن از معیشت خود گلایه کرده نقل کرده است. قطعه‌ای با رقم میرعلی با همین ابیات در مرقع میتو
گزارش شده است (Wright, 2008: 309) همین شعر در چلیپایی به خط نستعلیق مرقع ۱۵۰۰ کتابخانه
سلطنتی (آتابای ۱۳۵۳: ۱۹۲) با رقمی شبیه میرمحمدبن علی دیده می‌شود. این میرمحمد ظاهراً نباید
همین محمد باقر باشد.

23. Thackston , 2001: 40.

24. Ibid. p, 2001: 51.

تصویر شماره ۳
مربع گلشن، قطعه شماره ۲۵۴، کاخ گلستان



مرقع محمد باقر در زمانی بین ۹۵۱ تا ۹۶۳ تدوین شده است (سکی ۱۳۹۱: ۱۴۳) و آخرین قطعه این مرقع را میر علی در تاریخ ۹۴۴ کتابت کرده است. با معرفی قدیمی‌ترین نسخه دبیاچه قطب قصه‌خوان می‌دانیم این نسخه نیز در ۹۶۳ تألیف و نسخه ممتازی از آن در ۹۶۴ به دست شاه محمود نیشابوری کتابت شده است (خودداری نایینی ۱۳۹۰: ۱۵).

خط مرقع شاه محمد مذهب، نستعلیق رنگه‌نویسی نیمه قرن دهم است و البته نسخه عیار بالای هنری دارد و در قطعی و عکس، تسمه‌اندازی و جدول کشی و افشان زرین و کاغذ الوان نیز بسیار نفیس است. این مرقع از حیث تزئینات نفیس خود پیوندهایی با نسخه سابق‌الذکر کتابخانه ملک دارد که البته از آن ظریف‌تر اجرا شده است. به علاوه به نسخه کتابخانه ملک اندراس راه یافته و آب بدان رسیده است. با بررسی مرقع ۴۷۵۰ دانشگاه تهران و برخی قطعات پراکنده دیگر چون قطعه شماره ۱۳۷ از مرقع شماره ۵۸۰۳ آستان قدس رضوی (مهدی‌زاده و رزاقی ۱۳۶۹: ۱۷)، می‌توان یافت که قلم و دست هنرمندان مشترکی در تهیه متن و خصوصاً حاشیه آنها ظاهر است. از آنجایی که قطعات می‌توانستند راحت‌تر در مناطق جغرافیایی جابه‌جا شوند، پیگیری حاشیه‌سازی این چند مرقع راه بهتری برای شناسایی کارگاه ساخت این مرقعات است. مطالعه قطعات بدون رقم و رقم‌دار و بررسی تطبیقی جزئیات این مرقعات برای شناخت کارگاه تهیه این نسخه‌های نفیس خود موضوعی دیگر است. هنرمندان مشترکی^{۲۵} که در فراهم آوردن این مرقعات و حتی مرقع خوب^{۲۶} نامشان تکرار می‌شود ممکن است در یک نوشتارخانه (شاید بخارا) فعال بوده باشند. در مرقع کتابخانه ملک، قطعه ۷ (خودداری نایینی ۱۳۹۰: ۸۴) از عییدالله بهادرخان یاد شده است و آن را با بخارا که مدتی میر علی و خواجه محمود شهابی در آنجا بودند پیوند می‌دهد.

نگارنده شاه محمد مذهب را در منابع شناسایی نکرد. گرچه ممکن است شاه

۲۵. چون، میر علی، محمود ابن اسحاق شهابی، میر شیخ بورانی.

۲۶. بیانی ماده‌تاریخ را به اشتباه در عبارت مرقع خوب رقم، "خوب رقم" گرفته و تاریخ ۹۴۸ را استخراج کرده و احتمال داده ماده‌تاریخ چیز دیگر باشد. ولی ماده‌تاریخ مستخرج از دو کلمه مرقع خوب ۱۰۱۸ می‌شود که تاریخ صحیح آن است (بیانی ۱۳۶۳: ۷۷۷).

محمد مشهدی که خود کاتب بوده است (بیانی: ۲۹۲؛ قاضی احمد: ۱۰۴) همان شاه محمد مذهب باشد. بیشتر هم دیدیم که برخی از خوشنویسان هم مقدمه خود را به دیگر هنرمندان می‌سپردند تا کتابت کنند، اما در این مورد پژوهش بیشتری لازم می‌نماید.

از خوشنویسان و کاتبانی هم که محمدصالح نام دارند و بیانی در فهرست خود آورده، محمدصالح دردمند که قطعاتی مورخ ۹۷۴ و ۹۹۶ از وی دیده شده (بیانی ۱۳۶۹: ۷۷۶) و محمدصالح بخارایی که در ۹۹۵ در گذشته است و در دربار شیبانان فعال بوده، می‌توانند محمدصالح الکاتب باشند. فعالیت محمدصالح کاتب الخاقان که مقدمه مرقع خوب^{۲۷} را در ۱۰۱۸ نوشته است، نیز تفاوت زمانی قابل توجهی حدود ۵۰ سال با این کاتب دارد. زیرا برخی قطعات رقم‌دار مرقع شاه محمد متعلق به محمدصالح الکاتب با تاریخهایی از ۹۷۰ و ۹۷۶ است. قطعه شماره ۱۴۴ مرقع ۵۸۳۰ کتابخانه آستان قدس رضوی را محمدصالح نوشته (مهدی‌زاده و رزاقی ۱۳۶۹: ۴۰) که شیوه خوشنویسی او با قطعات رقم‌دار وی در مرقع شاه محمد مذهب یکسان است.

تکرار دیباچه‌ها بر اساس متون تاریخی

پس از سده یازدهم تقریباً دیباچه و مقدمه‌ای بر مرقعات فراهم آمده در ایران نوشته نشد.^{۲۸} منابع تاریخی مربوط به قرنهای یازده و دوازده مارا به مجموعه‌ای از دیباچه‌هایی می‌رساند که به عنوان متون ادبی حفظ شده‌اند و غالباً در مورد تاریخ ساخت، هنرمندان، سفارش دهنده، قطعات و دیگر اجزای خود مرقع ساکنند و تقریباً همه در قلمرو فرهنگی گورکانیان هند تألیف شده‌اند. از این دست می‌توان به دیباچه نصیرای همدانی بر مرقع (دانشگاه شماره ۴۷۲۷ و ۱۴۲۰۹ مجمع الافکار کتابخانه مجلس) دیباچه میرزا جلالا بر مرقع (دانشگاه تهران شماره ۲۹۴۴ و ۵۶۳۴) دیباچه‌های جویای تبریزی بر مرقعات (جویای تبریزی ۱۳۳۷: ۹۱۲)، دیباچه ملا منیر لاهوری (کلیات، نسخ خطی دانشگاه پنجاب، شماره I 66) دیباچه مرقع معینی (کتابخانه مجلس،

۲۷. متن مقدمه را تاکستون نقل کرده است: Thachston, 2001: 38

۲۸. به جز موارد نادر مثل مرقع سهام الملک شماره ۱۶۴۴ کاخ گلستان (آتابای: ۳۲۸) و یا یادداشتهای مختصر اول مرقعات صدرالسلطنه (۱۱۵۷ دانشگاه تهران و ۱۳۳۶۵ کتابخانه مجلس).

شماره ۱۲۲۵۱) اشعار میرزا کوچک در تعریف مرقع خدا داد بیگ (کتابخانه ملی شماره ۵-۱۵۴۱۲)، دبیاچه دیگری که بر مرقع میر عبدالسلام پسر نواب صفی خان نوشته شده (کتابخانه ملی شماره ۵-۱۵۹۸۵) و برخی دیگر اشاره کرد.^{۲۹}

دسته‌ای نیز اشاراتی مختصر به تاریخ ساخت و یا نام سفارش‌دهنده مرقع و یا سفارش‌دهنده دبیاچه دارند. مانند، دبیاچه مرقع حسین کوهدمی به سفارش میرعماد (مجلس شماره ۱۸۳۹۶) دبیاچه مرقع از ابوالفضل علامی (خودداری نایینی ۱۳۹۰: ۶۵) دبیاچه مرقع لشکرخان، کلیات ملا شرعی شیرازی (کتابخانه مجلس، شماره ۷۰۰۹) خطبه مرقع محمدرضا رازی، کتابخانه ملی (شماره ۵-۹۰۹۷) بیشتر این متون در خارج از مرقعات به جای مانده‌اند و حتی به خطی تحریری و ساده نوشته شده‌اند.^{۳۰}

مؤلفان دبیاچه‌ها نیز یا نویسندگان شبه‌قاره بوده‌اند و یا ایرانیانی که دیوانیان دربار پادشاهان هند بودند. از طرف دیگر با افول دولت صفوی در ایران هیچ مرقع نفیس با ظرافتهای هنری مشابه مرقع شاه محمد مذهب و یا مرقع خوب فراهم نیامد. مرقع میرزا مهدی خان استرآبادی در مؤسسه خاورشناسی سن پترزبورگ روسیه^{۳۱} نیز علیرغم دارا بودن قطعاتی از خوشنویسان بزرگ قرن ده و یازده و یا نقاشی و تذهیب هنرمندان مشهور قرن یازده و دوازده در حاشیه‌سازیه‌ها با نمونه‌های صفوی خود فاصله دارد. دبیاچه مرقعات متأخر مانند مرقع سهام الملک، کاخ گلستان (شماره ۱۶۴۴) نیز که دبیاچه‌ای منظوم است، بیشتر از نظر خط بسیار ممتاز شکسته نستعلیق آن،^{۳۲} و اشاره دبیاچه به سفارش‌دهنده یعنی سهام الملک اهمیت دارد و در مورد قطعات مرقع چیزی نمی‌گوید.^{۳۳}

۲۹. برخی از این دبیاچه‌ها را دانش‌پژوه شناسانده است (دانش‌پژوه ۱۳۶۰: ۱۴۸).

۳۰. در مورد مستندات تاریخی مربوط به مرقع سازی در سده‌های ۱۲ و ۱۳ نک: خودداری نایینی، سعید، پژوهشی در مرقع‌سازی سده‌های ۱۲ و ۱۳ هجری قمری، رساله دکتری مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

۳۱. مرقع شماره E14 با ۹۸ قطعه (آکیموشکین و دیگران ۱۳۷۵: ۴۰۸-۴۰۷)

۳۲. خط چهار قطعه اول از یک خوشنویس است و دو قطعه اول دبیاچه منظوم آن و دو قطعه بعد، پراکنده‌هایی است که رقم محمدبن حسن حسینی با تاریخ ۱۲۸۴ دارد.

۳۳. جلد لاک‌ی این مرقع نیز نوشته‌ای منظوم دارد و نقاشی ممتاز روی آن نیز یادآور جلد مرقع گلشن است.

اما یکی از این مؤلفان یعنی نواب آصفخان،^{۳۴} مجلس (شماره ۶۱ / ۹۰۸۷) در دیباچه خود به مطلبی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد گاهی مواقع دیباچه به اعتبار خط خوشش در مرقع جای می‌گرفت. حال ممکن بود دیباچه قدیم‌تر به اجزای مرقع هم اشاره کند:

... دره التاج شوکت زیننده تخت و دیهیم شاهزاده سلطان سلیم بالطبع مایل بر ترتیب مرقع کرده است [کذا] و شوق که عاشق تعجیل و دشمن تأخیر و تقصیر است فرصت جمع جمیع خطوط شرقا و غربا که به ادنی توجهی کمترین بندگان این آستان را ممکن است نداده، اکتفا به همین چند ورق که در آن آستان به تحریک میل به خط در نظر کیمیا اثر حاضر بود نموده به جمع آن اشاره فرمودند. مترصدان فرمان، موافق رسم، طلب خطبه [ای] که عبارت و خطش شایسته صدارت تواند بود نمودند. اگر چه جمعی که دعوی اعجاز بیان از ایشان محتاج نبود قلم بیان سر بر خط فرمان و کمر خدمت بر میان جان داشتند اما کاتبی که خطش از روی انصاف شایسته تقدیم بر خطوط استادان باشد نبود در جواب سؤال ایشان به خط تأمل رفته بود که کلک که ضامن حصول مطالب کلی این صاحب اقبال بود بی طلب و خواست تا به این جزویات با طلب [؟] چه رسد خطبه مرقعی به خط قبله الکتاب مولانا میر علی به هم رسانید اگر چه در آن خطبه قید جمع چند قطعه و رباعی مخصوص مندرج بود چون به حسب خط که مطلب فی الحقیقه از مرقع همان لیاقت صدر داشت حسب الحکم اشرف تقدیم یافت و کمترین بندگان این آستان آصف خان به شرف این واقعه مأمور شد والسلام علی من اتبع الهدی.

در این نوشته آصفخان می‌گوید که مقدمه‌ای که به خط میر علی بوده است و در آن به جمع چند قطعه و رباعی اشاره شده بوده داشته‌اند و در اول مرقع گذاشته‌اند، پس نکته اول آن است که مرقعی بوده است که دیباچه آن را خود میر علی نوشته بوده است و در آن به جمع چند قطعه و رباعی اشاره شده بوده است.

۳۴. میرزا بدیع‌الزمان ملقب به آصفخان (متوفی ۱۰۲۱) از نزدیکان جهانگیر (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل جهانگیر).

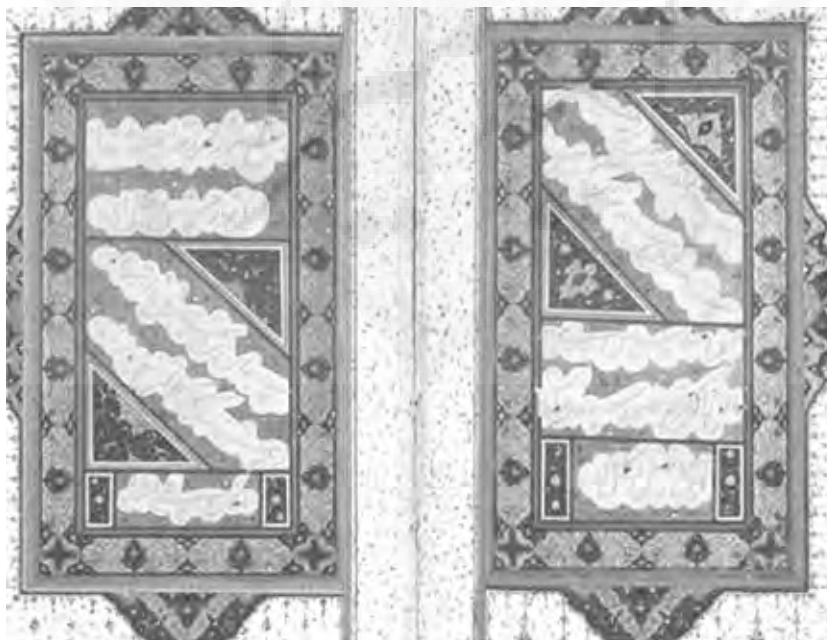
تصویر شمارهٔ ۴

صفحهٔ ابتدایی از یک مرقع با بیتی از *تحفه‌الابرار* که مطلع در دبیاچه‌های مرقعات نوشته می‌شد. کتابخانهٔ بادلیان



تصویر شمارهٔ ۵

صفحهٔ ابتدایی از یک مرقع با متنی شبیه به متن مرقع شاه محمد مذهب، کتابخانهٔ هاروارد شمارهٔ ۲۱۶۱۹۲



از آنجایی که تقریباً بیشتر مرقعات مهم قرن یازدهم هندوستان دارای قطعه و یا قطعاتی از خط میرعلی هستند اگر دیباچه آصفخان وجود نداشت و مرقع آصفخان با دیباچه، یا متنی شبیه دیباچه) به خط میرعلی یافت می‌شد، تصور می‌شد میرعلی بر مرقع شاهزاده سلیم^{۳۵} — جهانگیر شاه بعدی — مقدمه نوشته بوده است. حال آنکه پیش از آن، محمد باقر، پسر میر علی، مرقع کتابخانه مجلس را برای پدر او همایون گورگانی تدوین کرده بود.

آصف خان در باب مؤلف سخنی نمی‌گوید و به احتمال زیاد همین قطعه مرقع گلشن (برگ شماره ۲۴۵) همان است که وی لایق صدارت مرقع دانسته است. به نظر می‌رسد این قطعه مقدمه و مؤخره دیگری نداشته و همین چند سطر بوده است. گرچه از میرعلی به استناد متون تاریخی چون گلستان هنر و یا حاشیه برخی قطعات خوشنویسی، اشعاری به‌ویژه در باب خوشنویسی باقی مانده است.^{۳۶} به استناد قطعه مذکور در مرقع گلشن مرقعی که خود میرعلی تهیه کرده بوده شامل آثاری از دیگر هنرمندان، خوشنویسان هم بوده است و از این رو مرقع حالیه محمد باقر نمی‌تواند باشد.

بررسی قطعه ۲۴۵ مرقع گلشن و ارتباط آن با سایر قطعات ممکن است بتواند این فرض را که مرقع گلشن، همان مرقع جهانگیر است که آصفخان هم بر آن دیباچه‌ای نوشته بود و یا بخشهایی از آن مرقع به مرقع شاه جهان راه یافته است را تأیید کند. محیط طباطبایی به استناد همین قطعه گویا گفته‌اند اساس این مرقع بر یک مرقع مذهب کهنه‌تری بوده است که میر علی ترتیب داده بود (محیط طباطبایی ۱۳۴۶: ۴۷).

۳۵. ابوالفضل علامی نیز دیباچه خود را برای مرقعی که به جهت شاهزاده سلیم فراهم شده بود نوشته است (خودداری نایینی ۱۳۹۱: ۶۵).

۳۶.

نویسم ار به مثل از کتابه تا به غبار	به جز قلم نهد کس به حرف من انگشت
به نزد اهل هنر همچو لولوی شهوار	بود نتایج دست و زبان من امروز
قبول اگر نکند خصم گو بیبا و بیار	ز خط و صنعت شعرم سرآمد ایام
هم از لطافت خط و سلامت اشعار	چه احتیاج به دعوی دلا چو معلوم است
به تنگه ای همه کس می خرد در این بازار	بس است شاهد احوال این که بیت مرا

(قطعه موجود در گالری فریر ساکسر شماره F1939. 49b).

نگارنده نتوانست مقدمه‌ای که بخش اندکی از آن را آتابای نقل کرده است و آن را آغاز بخش دوم مرقع گلشن، مرقع گلستان نامیده (آتابای ۱۳۵۳: ۱۲ و ۱۳) و قسمت آخر آن رقم محمدحسین زرین قلم دارد را رؤیت کند. بررسی این متن و جزییات صحافیهای تاریخی آن می‌تواند برای تفکیک مرقعات مختلف تشکیل دهندهٔ مرقع گلشن مفید باشد.

بیت ابتدایی دیباجهٔ شاه محمد مذهب و مرقع محمدباقر از ابیات جامی در تحفه الاحرار هفت اورنگ است (سکی ۱۳۹۱: ۱۵۰) و در یک قطعهٔ مذهب نفیس که در کتابخانهٔ بادلیان نیز نگهداری می‌شود^{۳۷} به چشم می‌خورد (تصویر شمارهٔ ۴). البته این صفحه نباید متعلق به هفت اورنگ باشد و تزیینات و اندازهٔ آن نشان می‌دهد که قسمتی از دیباجهٔ یک مرقع بوده است، به‌خصوص وقتی می‌بینیم در مرقع شاه محمد مذهب هم چهار بیت ابتدایی مقدمه در دو صفحه نوشته شده است. دو قطعه از ابتدای یک کتاب یا مرقع در کتابخانه هاروارد وجود دارد (شمارهٔ ۲۱۶۱۹۲) که در صفحهٔ دوم رقم سلطانعلی مشهدی دیده می‌شود (تصویر شمارهٔ ۵). قطع و نوع نگارش، مورب‌نویسی و تحریر مشکلی و اندازهٔ قطع قلم و فاصلهٔ میان سطور نشان می‌دهد این قطعه متعلق به یک نسخهٔ خطی چند صد برگی نیست، بلکه این دو قطعه نیز صفحات ابتدایی مرقعی هستند که گویا دیباجه‌ای شبیه مرقع محمد باقر، و شاه محمد مذهب را داشته است:

بسم الله الرحمن الرحيم هست صلاى سر خوان كريم
حمد بی‌حد و سپاس بی‌قیاس خالقی را که مرقع مصور سپهر قطعه‌ای است از آثار فضل و
کمال او مقطع منور مهر رقع‌های است از انوار حسن و جمال او سبحان من تحیر فی ذاته
سلطان علی المشهدی.

بنابراین شباهت بخشهایی از دیباجه‌هایی که در قطعات و یا جنگها برجای مانده‌اند دلیل یکی بودن مرقعات مربوط به آنها نیست. به عبارتی، تا متن کامل یک دیباجه

۳۷. متأسفانه در پایگاه دیجیتال این کتابخانه این قطعه شناسایی نشد و در یکی دیگر از صفحات این وبسایت فقط همین بریده دستیاب شد: <http://bodley30.bodley.ox.ac.uk:8180/luna>.

پیدا نشود نمی‌توان آن را به یک مرقع منسوب کرد، زیرا رونویسی دیباچه‌نویسان امری معمول بوده و دیباچه‌ها با تفاوت اندک در متن برای مرقع دیگر بازنویسی می‌شدند. این پژوهش نشان می‌دهد دیباچه‌ها هم به شکل هنری در مرقعات تکرار می‌گشت و هم متن آن در جنگها نقل می‌شد. گاهی هم قطعات پراکنده یک دیباچه بدون توجه به محتوای آن و صرفاً با توجه به ارزش بصری آن به مرقع راه می‌یافت، اما امروز با دقت در متن قطعات خوشنویسی می‌توانیم موضوع اصلی آنها را بدانیم و برای شناخت قطعات پراکنده مرقعات مختلف دیباچه‌ها و گاهی قطعات را به همدیگر باز پیوند زنیم.

نتیجه‌گیری

دیباچه‌نویسی مرقعات در سده دهم دو وجه ادبی و هنری داشت که به دست کتابداران و نقادان و یا خود هنرمندان تألیف و کتابت می‌شد. دیباچه‌هایی شبیه به هم در برخی مرقعات نفیس باقی مانده است که نمی‌توان آنها را به جامع و مدون مرقع نسبت داد. در تألیف و کتابت دیباچه بیشتر خوشنویسان فعال بودند و دیباچه‌های تألیف همدیگر را کتابت و یا برای مرقع جدید متناسب می‌کردند. از این رو، بین کاتب و مؤلف مقدمه‌ها باید تفاوت قایل شد.

در مرقع شاه محمد مذهب، گویا قسمت ابتدایی یک دیباچه، که شاید قبل از نیمه اول قرن دهم نوشته شده بوده را گرفته‌اند و خاتمه را به تناسب نیت خود تغییر داده‌اند. میرعلی با قطعات فراوان خود، و آنهایی که به نام او نوشته شده و یا به وی منسوب شده‌اند، در مرقع‌سازی سده دهم و پس از آن، در ایران و هندوستان و بخارا نقش مهمی دارد، مقدمه‌ای که او بر مرقعی نوشته بوده ممکن است در حد همین چند سطری بوده باشد که در قطعه ۲۴۵ مرقع گلشن وجود دارد و از وی تا کنون مقدمه دیگری نشانی داده نشده است. ممکن است با بررسی مقدمه وی ارتباط میان مرقع شاه جهان و جهانگیر با مرقع گلشن و گلستان نیز روشن تر شود.

متن دیباچه‌ای که پسرش محمد باقر بر مرقعی به نام همایون پادشاه گورکانی هند

نوشته در همان زمانها در مرقات دیگری که احتمالاً پرداختهٔ قلمرو شیبانیان بوده‌اند با اختلافات مختصر در مطلع و مقطع دیده می‌شود. نیمهٔ دوم قرن دهم که سالهای رونق ساخت مرقات نفیس به شمار می‌رود مقدمه‌های متعددی نوشته شده که تقدم و تأخر مقدمه‌های آن مرقات هنوز روشن نیست. برای روشن شدن ارتباط این دبیاچه‌ها و مرقات آنها باید تحقیقات بیشتر به‌خصوص با استفاده از مرقات هم‌زمان و قطعات پراکندهٔ دبیاچه‌های دیگر انجام گیرد.



تصویر شماره ۶

قطعه نخست مرقع شماره ۱۴۶۵ کاخ گلستان، بازنویسی میرزا اسدالله شیرازی در ۱۲۶۴ ق. از قطعه دیگری که اکنون در موزه ملک است.



تصویر شمارهٔ ۷

قطعهٔ خوشنویسی، ابتدای مقدمهٔ قطب قصهٔ خوان، به شیوهٔ میرعماد، موزهٔ ملک، سطر آخر جداگانه چسبانیده شده است.



منابع

- آتابای، بدری، ۱۳۵۳، فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، کاخ گلستان، تهران.
- آزند، یعقوب، ۱۳۸۵، نگارگری ایران، ۲ جلد، سمت، تهران.
- آزند، یعقوب، ۱۳۸۶، صادقی بیگ افشار، تهران، امیرکبیر، کتابهای جیبی.
- آکیموشکین، او، ف و دیگران، ۱۳۷۵، فهرست نسخه‌های خطی مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، مترجم عارف رمضان، قم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، الهادی.
- بیانی، مهدی، ۱۳۶۳، آثار و احوال خوشنویسان، تهران، علمی.
- خودداری نایینی، سعید، ۱۳۹۰، فهرست مرقعات و آلبومهای عکس کتابخانه ملک، قم، مجمع ذخایر اسلامی.
- خودداری نایینی، سعید، ۱۳۹۱، «دیباجه چند مرقع»، مجموعه مقالات اوراق عتیق، دفتر دوم، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۱۳-۶۵.
- خودداری نایینی، سعید، ۱۳۹۲، پژوهشی در مرقع‌سازی سده ۱۲ و ۱۳ هجری، رساله دکتری مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، ۱۳۶۰، مرقع‌سازی و جنگ‌نویسی، «فرخنده پیام»، یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی، مشهد، ص ۱۴۹.
- رعناحسینی، کرامت، ۱۳۸۵، «خطبه مرقع شمس‌الدین محمد میرک»، فرهنگ ایران زمین، ش ۲۷، تهران، سخن.
- سکی، یوشیفوسا، ۱۳۸۱، «دیباجه قطب‌الدین محمد قصه‌خوان بر مرقع شاه طهماسب»، نامه بهارستان، ش ۶، ص ۳۰۹.
- سکی، یوشیفوسا، ۱۳۹۱، «گزارشی از شیوه ساخت و ترسیم جداول دوازده مرقع کتابخانه مجلس شورای اسلامی»، نامه بهارستان.
- سهیلی خوانساری، احمد، ۱۳۴۷، مرقع گلشن، تحلیلی از یک سند تاریخی، ش ۷۳، ص ۱۶-۱۷.
- شرف‌الدین علی یزدی، ۱۳۸۸، منشآت، تصحیح ایرج افشار و محمدرضا ابوی مهریزی، تهران، ثریا.
- شکراللهی، احسان‌الله، ۱۳۸۲، «مکتب صفا، اخلاق خوشنویسی، مرقع همایون پادشاه یا پدر و فرزندی هنر پناه»، پیام بهارستان، ش ۲۹، ۲۶.
- قاضی احمد قمی، ۱۳۵۹، گلستان هنر، تصحیح احمد خوانساری، تهران، منوچهری.
- کریم‌زاده تبریزی، محمد علی، ۱۳۶۹، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، مؤلف، لندن.
- محیط طباطبایی، محمد، ۱۳۴۶، «تحلیلی از یک سند تاریخی، راجع به مرقع پادشاهی، گلشن و چمن»، هنر و مردم، ش ۶۱-۶۲، ص ۴۰-۴۷.

— مهدی‌زاده، مصطفی، و حسین رزاقی، ۱۳۶۹، *منتخبی از مرقعات کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد، آستان قدس.*

– Thackston, Weeler, M, 2001, *Album Prefaces and Other Documents on the History of Calligraphers and Painters*, Brill.

– Roxburgh, David J., 2000, *Prefacing the Image, The Writing Art History in Sixteenth-Century Iran*, Brill.

– Roxburgh, David J., 2005, *Persian album, from dispersal to collection*, Yale University Press.

– Wright, Elaine, 2008, *Muraqqa'*, *Imperial Mughal Albums from the Chester Beatty Library*, Virginia.

